

چیستی تفسیر تربیتی

(مبنتی بر روش‌شناسی پژوهش در تفاسیر و علوم تربیتی)*

بهزاد ایزدی (نویسنده مسؤول)**

محمدعلی تجری***

چکیده:

تفسیر تربیتی گرایشی جدید در تفسیرنگاری معاصر است که با رویکرد به جنبه‌های هدایتی، تربیتی و اجتماعی قرآن کریم آغاز شد، اما در خصوص چیستی، مفهوم و مصادیق آن، دو دیدگاه سنتی با نگاه عام به موضوع تربیت و دیدگاه جدید با توجه خاص به مسائل علوم تربیتی و بسترهای علمی و پژوهشی آن در منابع تفسیرشناسی طرح شده است. در تعاریف موجود از تفسیر تربیتی، گستره علم تربیت، مسائل و موضوعات قابل تحقیق در آن و روش‌شناسی پژوهشی آن مبهم و نامشخص است. راه شناخت منطقی و جامع از چیستی آن، استفاده از روش تحلیل مفهوم تربیت و تفسیر، نسبت بین آنها و تبیین قلمرو آن می‌باشد. مفهوم و مصادیق تربیت در این ترکیب به‌طور مطلق به‌کار رفته و همه پژوهش‌های گذشته و جدید آن را شامل می‌شود. در نتیجه در این روی آورد، امکان بهره‌مندی از گستره وسیع دو حوزه تفسیر و تربیت فراهم است، به‌ویژه در روش‌شناسی این گرایش، امکان استفاده از روش‌های متنوع وجود دارد. هدف این پژوهش، بازنگری در تعاریف، مفهوم، مصادیق و تبیین جایگاه، روش‌شناسی و قلمرو وسیع پژوهش‌های تفسیری - تربیتی با استفاده از روش‌ها و یافته‌های تازه در این دو دانش می‌باشد که کمتر به آنها توجه شده است.

کلیدواژه‌ها:

تفسیر تربیتی / روش‌شناسی / علوم تربیتی / پژوهش تربیتی / گرایش تفسیری

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۴، تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۷/۱۷.

izadi.behzad@yahoo.com

** دانشجوی دکتری دانشگاه قم

ma.tajari@yahoo.com

** استادیار دانشگاه قم

امروزه رویکرد علمی و بین رشته‌ای به مباحث قرآنی بیش از گذشته، به‌عنوان یک نیاز در قرآن‌پژوهی مورد توجه قرار گرفته است، به‌گونه‌ای که پرداختن به آن بدون داشتن تخصص در رشته یا رشته‌های جدید علمی و بهره‌گیری از روش‌های پژوهشی و روش‌شناختی روز - به‌خصوص در علوم انسانی - و شناخت مبانی انسان‌شناسی، کارآیی لازم را نداشته و جوابگوی نیازهای عصر حاضر نیست. به این جهت بسیاری از پژوهشگران این حوزه، به تلفیق ره‌آورد گذشتگان با دانش‌های روز روی آورده‌اند. گسترش روزافزون رشته‌های علمی و ظهور دانش‌های تطبیقی، زمینه و بستر مناسبی را برای فهم بهتر وحی، استنباط دیدگاه‌های نو و اجتهاد در تفاسیر عصری که در صدد پاسخگویی به شبهات و نیازهای عصر مفسرند، فراهم آورده است (رک: ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ۱۸۶).

یکی از علومی که بیشترین زمینه قرابت با آموزه‌های وحیانی را دارد، «تربیت» به‌معنای عام و «علوم تربیتی» به‌معنای خاص آن است. آمیختن این دو دانش، «تفسیر تربیتی» را پدید آورده است. نقطه آغازین رویکرد به این نوع تفسیر، تلاش‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده در دو قرن پیش در مصر می‌باشد. در این مدت، جامعه قرآن‌پژوه شاهد تألیفات زیاد، اعم از تفاسیر، کتاب‌ها و مقالات بوده (معرفت، ۴۸۱/۲؛ رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۳۴۷/۲؛ مؤدب، ۲۸۲) که با این عنوان و موضوع توسط پژوهشگران علوم قرآن عرضه و منتشر شده‌اند. در این راستا حتی رشته‌های علمی و دانشگاهی نیز ایجاد شده است (اعرافی، اقتراح، ۱۰).

با وجود این روی‌آوردها و پیشرفت دانش‌های مرتبط با آن و وجود زمینه‌های فراوان پژوهشی، باید اذعان کرد که این روی‌آورد در آغاز راه پیشرفت است و تاکنون از ظرفیت‌های آن به‌درستی استفاده نشده و هنوز اساس، مبانی، فلسفه و نحوه مراددهاش با دانش تربیت انسجام نیافته، نیازها و پرسش‌هایش بدون پاسخ مانده است. علت آن نیز عدم ورود بسیاری از قرآن‌پژوهان به مسائل اساسی آن، همچنین عدم نیازسنجی دقیق در مراکز علمی اسلامی و نبود ارتباط بین متخصصان این دو می‌باشد. در دو سده اخیر بسیاری از تفاسیر مشهور به تربیتی، در کنار طرح سایر مباحث تفسیری از قبیل روایی،

فقهی، عقلی، عرفانی، اجتماعی و ...، تنها به بخشی از مباحث تربیت وارد و فقط برخی نکات مرتبط با آن را ارائه کرده‌اند. با این وجود، منابع تفسیرشناسی از وجود تألیفات بسیار زیاد با این گرایش خبر می‌دهند؛ تا حدی که برخی بیش از چهل تفسیر را تربیتی خوانده (عقیقی بخشایشی، ۷۴۰)، در حالی که بسیاری از آنها دارای گرایش‌های دیگر با مباحث تربیتی بسیار اندک می‌باشند.

در این نوشتار با نگاهی به پیشینه بحث و مرور بر نگرش سنتی به آن، تعاریف موجود بازخوانی و نقد، هدف، روش‌ها، رویکردها و فرآیند این گرایش تشریح، و سپس به روش تحلیل مفهومی، چپستی این گرایش مهم بازتعریف شده است. این مطالعه با استفاده از روش‌شناسی پیشنهادی در مآخذ روش‌شناسی مطالعات دینی و تفسیرشناسی و پژوهش‌های تربیتی و سایر منابع مرتبط صورت گرفته است، با این هدف که تصویری دقیق‌تر از زمینه‌های پژوهشی آن ارائه و چشم‌اندازی تازه و افقی نو در تحقیقات این حوزه تفسیری گشوده شود.

درآمدی بر پیشینه، معناشناسی تاریخی و توصیفی تفسیر تربیتی

اگرچه برخی درباره وجود تفاسیری با صبغه و محتوای تربیتی (به معنای عام) اعتقاد به وجود زمینه‌های آن در آثار پیشینیان و یا حتی در روایات تفسیری نقل شده از زمان پیامبر اسلام ﷺ دارند (ر.ک: بهجت پور، ۷۲)، اما این ترکیب یا اصطلاح مرکب از دو واژه «تفسیر» و «تربیت»، پیشینه تاریخی ندارد و به تازگی به عنوان نوعی رویکرد (اعرافی، اقتراح، ۱۰) یا گرایش اجتهادی رایج شده و می‌توان گفت از ابداعات نویسندگان معاصر است. پرداختن به این گرایش همانند سایر گرایش‌ها، نشانگر جهت‌گیری‌های عصری مفسران بوده و معلول دغدغه‌های ذهنی و روانی آنها نسبت به مسائل مختلف بیرونی، روحیات و ذوقیات و تخصص‌شان می‌باشد (شاکر، ۴۷؛ قربان‌زاده، ۱۵۵).

امروزه و در فرهنگ تفسیرپژوهان، اصطلاحات جدیدتری که با این واژه مرتبط‌اند، ابداع شده که هیچ کدام سابقه‌ای در آثار گذشتگان ندارند. مانند فقه تربیتی، اقتصاد تربیتی، فلسفه تربیتی، روان‌شناسی تربیتی، اخلاق تربیتی، تفسیر اجتماعی، (ر.ک: اعرافی، فقه التریبه، ۱۱)، تفسیر روان‌شناختی و ... و عناوین جدیدی از تربیت مانند

تربیت جسمانی، اخلاقی، معنوی، دینی، سیاسی، حرفه‌ای، ادبی، تطبیقی و... وارد فرهنگ واژگان و فرآیند مطالعات این دو حوزه شده است. هم‌زمان با احساس نیاز به تعامل دین با علوم جدید و گسترش این باور که قرآن باید وارد اجتماع و زندگی مدرن امروزی شود (رشیدرضا، ۱۷/۱، ۲۴، ۲۵)، استمداد از یافته‌های آن برای برطرف کردن عقب‌ماندگی در تعلیم و تربیت آغاز شد. در زمان کوتاهی، آثار پیشرفت علم در دانش تربیت و در تفسیر نمایان و در یک تعامل بین رشته‌ای، زمینه تلفیق این دو توسط مفسران و نه عالمان تربیتی فراهم شد؛ زیرا آنها بیشتر خود را نیازمند این علم و ره‌آوردهای جدید آن می‌دیدند؛ چون می‌خواستند با رویکرد به این دانش، تأثیرگذاری بیشتر تفسیر در ساحت اجتماع امروزی را رقم بزنند. این روی آورد به سرعت مورد اقبال سایر پژوهشگران در رشته‌های مرتبط قرار گرفت و زمینه تلفیق بسیاری از ره‌آوردهای جدید علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... با مباحث تفسیری را فراهم کرد و منجر به خلق آثاری با رویکرد میان‌رشته‌ای شد. اگرچه خود پدیدآورندگان این نوع تفسیر مانند عبده، رشیدرضا، امین‌خولی، سیدقطب و هم‌کیشان آنها، برای تفسیرشان از این واژه استفاده نکردند (نفیسی، ۴۵؛ ذهبی، ۵۴۸/۲)، ولی برخی عناوین همچون تفسیر مقاصدی، اخلاقی، عرفانی، واعظانه، روحانی، توحیدی، اقناعی و ارشادی را برای نامیدن آن به‌کار بردند که می‌توان آنها را با مسامحه، از باب نام‌گذاری شیء به جزء آن تلقی کرد (اسعدی، ۴۰). رشیدرضا در آغاز تفسیر المنار، اصطلاح هدایتی و ارشادی را به‌کار می‌برد (رشیدرضا، ۱۷/۱). دیگر تفسیرپژوهان تلاش‌های آنها را در این راه با عنوان رویکرد اجتماعی، ادبی اجتماعی (ذهبی، ۵۴۷/۲) و یا هدایتی و تربیتی (شریف، ۳۱۰) نام برده‌اند. در پژوهش‌ها و نوشته‌های عرب‌زبانان از اصطلاح «التفسیر التربوی» استفاده و استقبال شد؛ عنوانی که در «التفسیر التربوی للقرآن الکریم» از انور الباز مصری به‌کار رفت.

با اینکه در بسیاری از مسائل این نوع از گرایش تفسیری در بین قرآن‌پژوهان اختلاف وجود داشته و دارد (ر.ک: نفیسی، ۴۵)، اما در پذیرش این عنوان توافق حاصل شده است؛ چنان‌که در زمینه هدف این گرایش تفسیری - که مشترک بین قرآن کریم و دانش تربیت است - توافق وجود دارد؛ زیرا همگان هدف نزول قرآن (ر.ک: ناطقی،

۲۸؛ بهجت‌پور، ۶۸) و هدف تربیت و علوم تربیتی را یکی دانسته‌اند؛ یعنی پرورش آدمی و اصلاح رفتار انسان‌ها و بررسی رفتار مربی و متربی (حسینی، ۵۲) بر اساس آموزه‌های وحیانی و دانش و تجربه بشری.

با گذشت زمان، منابعی پیرامون این رویکرد به وسیله تفسیرپژوهان تألیف شد که در آنها هم تعریف این گرایش و هم مصادیقی برای آن ذکر شده است. آنها با انتخاب رویکردها و روش‌های مختلف، تکیه بر پیش‌فرض‌ها، مبانی خاص روش‌شناسی و ترجیحات روش‌شناسی متفاوت (ر.ک: وجدانی، ۱۲۲)، تعریف‌های مختلفی را از آن ارائه دادند.

تعاریف ارائه شده از تفسیر تربیتی

در یک نگاه کلی می‌توان تعاریف را به دو گونه کلی «تاریخی» و «محتوایی» تقسیم کرد.

۱. تفسیر تربیتی تاریخی

مطالعه تاریخی و پیشینه این گرایش نشان‌دهنده دو تصویر کاملاً متفاوت سنتی و جدید از تفسیر تربیتی به‌عنوان یک «پدیدار» است.

الف) تعاریف سنتی: در این قسمت هفت تعریف ارائه شده که هرکدام ویژگی و شاخصه‌های خاص خود را دارند.

۱- محمد عبده از پیش‌تازان و ابداع‌کنندگان این جریان تفسیری، در معرفی و بیان علت روی آورد به آن می‌گوید: «تألیف جامع علوم انسانی»

«تفسیری که ما به دنبال آن هستیم، همان فهم کتاب الهی است، از آن جهت که هدایت‌کننده مردم به سعادت دنیا و آخرت به‌عنوان مقصد والای آن است و هر آنچه غیر آن باشد، تابع این هدف و تنها وسیله‌ای برای به‌دست آوردن آن است.»

(رشیدرضا، ۱۷/۱)

۲- رشیدرضا می‌گوید:

«تفسیر هدایتی همان تفسیر ارشادی است که هدف والای آن، بیان آیات الهی از

طریق روشن ساختن هدایت‌ها و آموزه‌های قرآن و احکام تشریحی خداوند برای مردم است، به گونه‌ای که مایه جذب جان‌ها و گشایش قلب‌ها گردد و بدین‌سان، نفوس آدمیان به هدایت الهی رهنمون گردد.» (همان)

این دو تعریف بسیار به هم نزدیک می‌باشند و ضمن اینکه کلی‌اند، فاقد عناصر تعریف از جمله روش‌شناسی و حد و قلمرواند!

۳- دیگر نویسندگان در معرفی تفسیر تربیتی می‌گویند:

«از جمله گرایش‌های تفسیر اجتهادی، تفسیر تربیتی است که در آنها مفسران به جنبه‌های اخلاقی و هدایتی قرآن می‌پردازند. از نگاه آنان، مهم‌ترین نکته‌های تفسیری، مطالب اخلاقی و هدایتی است که در یافتن نکته‌های هدایتی و اخلاقی، از روایات و تطبیق آیات استفاده می‌کنند، ولی گرایش غالب آنها، پرداختن به روایات تفسیری نیست. آنها اجتهاد و تدبّر خود را نه به یافتن مسائل کلامی، فلسفی، عرفانی، فقهی و بلاغی، بلکه به تبیین نکات تربیتی و هدایتی مبذول می‌دارند. آنان اگر به روایت یا مسائل کلامی، اعتقادی، تاریخی و شأن نزول می‌پردازند، هدف و انگیزه آنها، دریافتن نکات هدایتی است.» (مؤدب، ۲۷۱)

این تعریف تفاوت بین تربیت و هدایت و سایر مفاهیم نزدیک به آنها را بیان نکرده و آنها را یکی دانسته است. نیز از واژگانی استفاده کرده که دچار ابهام و نیازمند تعریف هستند؛ مانند جنبه‌های قرآن و نکات تربیتی، و بین معنای عام و خاص تربیت تفاوتی بیان نکرده است. روش تفسیر در این تعریف، اجتهاد یعنی «استخراج معانی آیات از طریق تفکر و تعقل» (عمید زنجانی، ۳۳۲) و هدف، کشف نکات مرتبط با تربیت است. اشکالات تعریف قبلی نیز اینجا نمایان‌اند.

۴- برخی منابع آن را مراجعه به قرآن به منظور استکشاف دیدگاه قرآن در موضوعات مصرّح و غیر مصرّح تربیتی دانسته‌اند (اعرافی، درآمدی بر تفسیر تربیتی، ۷۱). این تعریف ضمن محدود کردن این تفسیر به کشف، مشتمل بر واژه‌های مبهم مصرّح و غیر مصرّح تربیتی می‌باشد.

۵- از نظر برخی دیگر، عنوان تربیتی یا هدایتگری می‌تواند تفاسیری را شامل شود که تنها به جنبه‌های اخلاقی، یعنی تربیت فردی نظر دارند (ایازی، دانشنامه قرآن،

۶۴۷/۱). در این تعریف، تربیت فردی هدف تفسیر تربیتی قلمداد شده است و از چگونگی رسیدن به آن یا روش‌شناسی در آن چیزی بیان نشده است.

۶- دیگری آن را تفسیر آیات بر اساس نظام تربیتی قرآن می‌داند و می‌گوید:

«به تفسیر قرآن با رویکرد تربیتی، تفسیر تربیتی می‌گویند.» (ذبیح افشاگر، ۵۳)

این تعریف ضمن محدود کردن آن به نظام تربیتی، با ذکر «رویکرد تربیتی»، به ابهام در تعریف افزوده است.

۷- برخی آن را از گرایش‌های اخلاقی اجتماعی متمایز می‌دانند و در توصیف آن، اهتمام به حل مسائل جامعه را یادآور می‌شوند (ایازی، المفسرون منهجهم و حیاتهم، ۴۸) که مشخصه رویکرد اجتماعی است. درباره فلسفه نامیدن آن به اجتماعی گفته شده:

«این جریان تفسیری از آن جهت که بر جنبه هدایتی و تربیتی قرآن به‌عنوان هدف اصلی در تفسیر تأکید می‌کرد، «گرایش هدایتی و تربیتی» نامیده شد و از این جهت که به آموزه‌های هدایتی قرآن برای اصلاح امور اجتماعی جوامع اسلامی توجه می‌داد، «گرایش تفسیر اجتماعی» نام گرفت.» (معموری، ۳۷۶/۸)

ایراد مهم در مجموع این تعاریف، نبود تفاوت ماهوی در بین آنها و یکی دانستن هدایت و تربیت است؛ یعنی همان معنای عام آن که تفاسیر اخلاقی، عرفانی، اجتماعی، واعظانه، روحانی و... را هم شامل می‌شود (ر.ک: شاکر، ۴۹؛ ایازی، تفسیر قرآن، ۶۶/۱؛ معموری، ۳۷۳/۸؛ شریف، ۳۱۰؛ نفیسی، ۴۵). با این وصف می‌توان این تفاسیر را به همان عناوین خواند و این دیدگاه را رویکرد سنتی به تفسیر تربیتی نامید.

ب) تعاریف جدید: در تعاریف جدیدتر سعی شده بین مقوله تربیت و سایر مفاهیم تفاوت قائل شده، قلمرو و روش آن را مشخص و محدود کنند.

۱- یکی از محققان بر بُعد فردی و اجتماعی آن و داده‌های علوم تربیتی در آن تأکید

دارد:

«تفسیری که در آن بر دانش‌ها و اصول تربیتی اعتماد می‌شود و به‌گونه‌ای است که عمده تلاشش بر بُعد تربیتی قرآن، اعم از فردی و اجتماعی، به‌منظور برجسته ساختن این بُعد از قرآن، از طریق به‌کار گرفتن داده‌های علوم تربیتی برای کشف عناصر و اجزای نظام تربیتی قرآن و برآورده ساختن نیازهای تربیتی انسان معاصر صورت

می‌گیرد.» (ابوخمسین، ۴۶)

در این سخن مشخص نیست که آیا مقصود از به‌کارگیری داده‌های تربیتی، روش‌های این علم می‌باشد؟

۲- دیگری یافته‌های علوم تربیتی را شاخصه آن می‌داند:

«کشف و پرده‌برداری از ابهامات واژه‌ها و جمله‌های قرآن در حوزه تربیت و توضیح

و تبیین مقاصد و اهداف آیات قرآن بر اساس یافته‌های علوم تربیتی است.»

ایشان درباره روش و قلمرو آن می‌گوید:

«مفسران تربیتی شیوه‌ای را در پیش می‌گیرند، اعم از روش تربیتی یا موضوعی با

شاخه‌هایی که دارند و آموزه‌های تربیتی را بر محور آن روش کشف و به‌عنوان

پیام‌های تربیتی آیات ارائه می‌دهند. تفسیر تربیتی فعالیت روشمند و هدفداری برای

کشف حقایق نهفته قرآن کریم در قلمرو تعلیم و تربیت، مبانی، اهداف، اصول،

روش‌ها، مراحل، منابع، ابزار، مراتب و ابعاد تربیت است.» (احسانی، ۳۸)

در این سخنان قلمرو تعلیم و تربیت در قرآن به آموزه‌ها و پیام‌های آن محدود شده،

روش آن همان روش‌های تفسیر است و در عین حال از برخی مسائل دانش تربیت نام

برده شده است.

۳- پژوهشگری دیگر دامنه آن را گسترده‌تر دیده و عناصر آن را چنین برشمرده

است:

«۱- توضیح معانی و مقاصد آیات قرآن با عنایت به فرآیند تربیت؛

۲- استخدام علوم تربیتی برای توضیح آیات قرآن؛

۳- توجه به بُعد تربیتی در بیان نکات تفسیری؛

۴- تبیین آموزه‌ها و پیام‌های تربیتی قرآن؛

۵- بهره‌جویی از آیات برای جهت‌دهی به مبانی علوم انسانی؛

۶- نظریه پردازی‌های تربیتی بر اساس آیات؛

۷- استنباط اهداف، مبانی و روش‌ها و در نهایت نظام تربیتی از قرآن؛

۸- توجه به نکات تربیتی قرآن برای پرورش ابعاد و ساحت‌های تربیتی انسان؛

همچون بُعد عقلی، عاطفی و ...»

ایشان سپس درباره روش شناسی آن سه موضوع را ذکر کرده است:

«الف) مبانی آن همچون مبانی تفسیر عمومی است؛ مانند امکان فهم قرآن و...، لیکن مبانی خاص خود را نیز دارد؛ مانند امکان تفسیر تربیتی، وجود نکات و روش‌های تربیتی در قرآن و نظام‌مند بودن تربیت قرآنی.

ب) از روش‌های صحیح تفسیر مانند قرآن به قرآن، روایی و... به خصوص روش باطنی (اشاری) در این گرایش استفاده می‌شود.

ج) در نهایت میان‌رشته‌ای بودن آن و لزوم آشنایی مفسر با ضوابط آن.» (رضایی اصفهانی، تفسیر سوره حمد، ۷۹)

این تعریف این گرایش را جزء تفاسیر علمی می‌داند و نگاه بین رشته‌ای به آن دارد.

۴- مؤلفی در کلامی مفصل، از داده‌ها و گزاره‌های تربیتی و قرآنی سخن گفته و چند رویکرد برای آن شمرده است:

«واژه «تفسیر تربیتی» یک ترکیب وصفی است که به چند صورت و با چند رویکرد تبیین می‌شود:

الف) بیان و تفسیر آیاتی که مستقیماً به مسأله تربیت و ابعاد و اهداف و مبانی و روش‌ها و عوامل و موانع آن اشاره دارد؛

ب) استخراج نکات، نظریه‌ها یا نظام جامع تربیتی از آیات؛

ج) نگاه برون‌متنی به قرآن؛ به این معنا که ببینیم گزاره‌ها و نظریات علمی ثابت‌شده در علوم تربیتی تا چه میزان با آیات تطابق دارد. در این رویکرد اگرچه ما بر اساس مبانی کلامی، آیات قرآن را در بحث تربیت، حکیمانه و بدون نقض و کاستی می‌دانیم، اما سعی در اثبات حقایق قرآن کریم به واسطه این گزاره‌ها و نظریات نداریم، بلکه می‌خواهیم صحت و سقم گزاره‌های تربیتی را از قرآن دریابیم. در تقابل این دو (گزاره‌های تربیتی و قرآنی)، بر فرض فهم صحیح از آیه و در صورت قطعیت گزاره تربیتی، دست از ظهور آیه برمی‌داریم و آن را تأویل می‌کنیم، وگرنه گزاره تربیتی را کنار خواهیم گذاشت تا سر از تحمیل این نظریات بر قرآن در نیاورد.

د) با نگاه برون‌متنی به قرآن، با این تفاوت که برای فهم بهتر و دقیق‌تر از آیات و رموز نهفته آن، از داده‌های قطعی علوم تربیتی استفاده می‌کنیم و برای فهم بهتر

آیات تربیتی، این داده‌ها را به استخدام می‌گیریم. در مواردی گزاره‌های علوم تربیتی قابل اثبات تجربی خواهد بود؛ مانند برخی گزاره‌های انسان‌شناسی تربیتی و روان‌شناسی تربیتی و جامعه‌شناسی تربیتی که فهم بهتر و صحیح‌تری از آیات را به ما خواهد داد.» (هاشمی علی‌آبادی، ۲)

این تعریف نیز بر روش نفی و اثبات داده‌های قطعی علوم تربیتی و گزاره‌های تربیتی قرآن متمرکز است.

۲. تفسیر تربیتی محتوایی

از نظر محتوا، تعاریف به هنجاری، وصفی، قاموسی (معجمی)، مشخص‌کننده (تدقیقی)، اقناعی، نظری، مصداقی یا روی‌آورد کاربردگرایانه، روی‌آورد تحلیل مضمون و... تقسیم شده‌اند (قراملکی، ۱۴۴؛ وجدانی، ۱۱۹ و ۱۲۱).

اگرچه تقسیم این تعاریف از نظر محتوا و تعیین عنوان برای آنها نمی‌تواند دقیق باشد، اما با تعمق در مضمونشان، می‌توان تعریف عبده و رشیدرضا را هنجاری، مؤدب، ایازی و احسانی را وصفی، هاشمی و اعرافی را مشخص‌کننده (تدقیقی)، رضایی و ذبیح افشاگر را تحلیل مضمون، ابوخمسین، ایازی (تعریف دوم) و کاظمی را مصداقی یا کاربردگرایانه، و معموری را اقناعی به‌شمار آورد.

بررسی اشکالات تعاریف

از آنجا که شناخت چپستی یا تعریف این مفهوم، مهم‌ترین مسأله این پژوهش است و نقش طریقت و ابزار برای شناخت دقیق موضوع را دارد، بر تمام مباحث پرتو می‌افکند و روش‌نگر راه و روش پژوهش است (قراملکی، ۲۳)، می‌بایست کامل و در آن این موضوعات مورد مطالعه قرار گیرند: ضرورت، تصور از موضوع، هدف (غایت)، نتایج، روش‌ها، تنوع‌پذیری، ضوابط منطقی، ملاک‌های تمایز و مواضع خط‌پذیری تعریف (همان، ۱۴۰). اما فقط در برخی از تعاریف جدید اشاراتی به این موضوعات شده و داده‌های علوم تربیتی و گستره این گرایش ذکر و برجسته شده‌اند. در این قسم برخی بر تمایزات و ویژگی‌های آن تأکید کرده و سخنانشان نسبت به سایرین از

جامعیت بیشتری برخوردار است، عده‌ای دیگر به ابعاد، مسائل و روش‌ها اهمیت داده و برخی از آنها را نام برده‌اند (احسانی، رضایی و هاشمی).

- نداشتن شرایط تعریف یعنی تمایز، شفاف سازی و توسعه (قلمرو یا چشم‌انداز و فرآیند) (الونی، ۷۷ به نقل از وجدانی، ۱۲۴). به عبارت دیگر، کلی، عام و اجرایی نبودن، نداشتن جامعیت و فرضیه ناپذیری از ضعف‌های تعاریف است.

- تعریف جامع هم باید مشتمل بر جنبه علمی و فلسفی، و هم جنبه رفتاری و عمل تربیتی متریان باشد. اما اشکال این تعاریف این است که به جز موارد اخیر، بقیه این گرایش را فقط از جنبه عمل یا حکمت عملی، زیستی و اخلاقی شناسانده و از جنبه پژوهشی و کاربردی آن در تربیت (تحلیل تربیتی) (اعرافی، اقتراح، ۱۴) و از به‌کار بستن یافته‌های علوم تربیتی در آن کمتر سخن گفته‌اند؛ یافته‌هایی که حاصل به‌کارگیری روش‌های نظری و تجربی در علوم انسانی و اجتماعی و بهره‌وری از ابزارهای نوین پژوهشی در جهت نیل به اهداف این گرایش تربیتی قرآنی است.

- همچنین تعاریف ناظر به روش‌شناسی فلسفی (بررسی علی و اثباتی مسائل آن) (ر.ک: باقری و خسروی، ۴۹) نبوده و از بررسی عقلانی و منطقی نسبت به داده‌های این دانش و دانش‌های مرتبط مثل روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تهی‌اند. در حالی که در پژوهش‌های نوین، این گونه روش‌شناسی، تقدم رتبه‌ای بر هستی‌شناسی یک دانش دارد (ر.ک: صادق‌زاده، ۱۴۳). در میان تعاریف، فقط هاشمی اشاره‌ای به روش اثبات گزاره‌های آن دارد (هاشمی، ۲).

مصادیق تفاسیر تربیتی بر اساس تعاریف

بر طبق این تعاریف، انگیزه و هدف مفسران و زمینه‌های طرح این مباحث در لابه‌لای تفاسیر روشن نیست. این اشکال، شناخت مصادیق تفسیر تربیتی را مشکل می‌کند. با ژرف‌نگری در تعاریف، سه رویکرد کلی و متمایز به موضوع، محتوا و مصادیق آن در تفاسیر مشاهده می‌شود، اما صاحبان تعاریف به وجود تفاوت بین آنها کمتر توجه کرده‌اند. این رویکردها بدین قرار است:

۱- رویکرد عام: که در آن، این عنوان به تفسیری اطلاق می‌شود که مفسر به تفسیر آیات تربیتی (به معنای عام) اهتمام دارد؛ همان گونه که پیشینیان مانند فخر رازی، آلوسی، شیخ طوسی و ملاصدرا هم به بیان مباحث و نکات تربیتی توجه داشتند (ذبیح افشاگر، ۵۴). در این رویکرد ممکن است تفسیر فقط به آیاتی که از دید مفسر تربیتی‌اند، محدود شود. درباره تعداد آیات تربیتی هم دیدگاه حداقلی و حداکثری وجود دارد. برخی معدودی از آیات، عده‌ای بیشتر آنها، و گروهی همه را تربیتی می‌دانند (ناطق، ۲۴). راه شناخت و احصای آنها هم در فهم مدالیل (مطابقی، تضمینی و التزامی) آیات، یا استنباط و استخراج تمام نکات و آموزه‌های تربیتی از هر آیه‌ای یا بخشی از آیات می‌باشد (ناطق، ۲۴؛ اعرافی، اقتراح، ۱۷).

۲- رویکرد مشترک: به تفاسیری اطلاق می‌شود که مسائل و مباحث تربیتی را - بنا بر دیدگاه مفسر - ارائه کرده باشند. این مطالب از آیات، روایات و حتی از سایر مآخذ جدید و قدیم استنباط می‌شوند و چه بسا در ارائه آنها تقبّلی به وجود ارتباط با آیات و فحوای آنها نیست؛ حتی مطالب اخلاقی و اجتماعی هم در آنها نقل می‌شود که کمترین مناسبت را با مباحث تربیتی دارند. مخاطب این تفسیر همه مردم با هر سطحی از معلومات‌اند و عموم می‌توانند از مطالبشان بهره ببرند. این تفاسیر با گونه‌های هدایی، اجتماعی و اخلاقی تفاوتی ندارند. در این رویکرد ممکن است مفسر حتی بر موضوع، مسائل و گستره تربیت به عنوان موضوع اصلی تفسیر و هدف نزول قرآن تمرکز و توجه ویژه داشته باشد، ولی وارد بحث از مبانی فلسفی، نظام تربیتی و مسائل تخصصی دانش تربیت نشود. تفسیر المنار، التفسیر التربوی میرزاخانانی و چند اثر دیگر با چنین هدف و رویکردی گردآوری شده‌اند (رشیدرضا، ۱۷/۱؛ انور، ۱/ب؛ شریف، ۳۱۰؛ نفیسی، ۴۵؛ ناطق، ۲۴؛ احسانی، ۳۸). تعاریف دکتر مؤدب، ایازی و افشاگر به این نمونه تفاسیر اشاره دارند. در مجموع به چند دلیل، اطلاق این گرایش بر این دو رویکرد به نحو حقیقی نیست:

الف) صرف ذکر نکات تربیتی، فراتر از گرایش تفسیری و یا داشتن رویکرد تربیتی و پرداختن به برخی مبانی و مباحث اساسی تربیت با داشتن گرایشی دیگر، تفسیری با تخصص تربیتی فراهم نمی‌سازد؛ زیرا این ویژگی‌ها در هر تفسیری - با هر نام و

عنوانی - می‌توانند یافت شوند و اختصاص به مواردی که نام برده شد، ندارد. این نکته‌ای است که در سخنان نقل شده کمتر به آن توجه شده است.

ب) تصور برخی قرآن‌پژوهان از تربیت، معنای عام آن است که دارای اشتراک مفهومی است؛ به گونه‌ای که با تلقی آن در اندیشه پیشینیان چندان تفاوتی ندارد. اینان با نگاه به گذشته یا با «تحویلی‌نگری تاریخی» (قراملکی، ۲۴۰)، این «پدیده» را شناسانده و حتی با همین نگرش، به نگارش تفسیر اقدام کرده‌اند. محتویات بسیاری از این گونه تألیفات، سیر در فرآورد اندیشه گذشتگان است و حداکثر پروبال دادن به مباحث و نقد افکار آنها و ورود به پاره‌ای از مسائل روز؛ نه تعمق در ابعاد، تحولات، قلمرو و فرآیند یک دانش جدید با چشم‌اندازی گسترده که باید همه پرسش‌های مخاطبان معاصر و آینده را پاسخ دهد.

۳- عنوان یا وصف تربیتی با رویکرد تخصصی: به تفسیری اطلاق می‌شود که مفسر از علوم تربیتی به معنای خاص آن استفاده کند. پیدایش این گرایش تخصصی در جامعه تفسیری فقط به شرط تخصص مفسر در علوم تربیتی و تربیتی بودن تفسیر است. ابوخمسین، احسانی، رضایی و هاشمی به این رویکرد اشاره دارند.

اما این تفاسیر کدام‌اند؟ مفسران بر این باورند که در مدرسه وحی، تعلیم و تربیت جنبه دینی و معنوی دارد و آموزه‌های این مکتب، دستورالعمل هدایت و تربیت برای همگان هستند. اگر تربیت را مجموعه تدابیر و روش‌هایی بدانیم که برای به فعلیت رساندن ابعاد مختلف وجود انسان به کار گرفته می‌شود (حسنی، ۵۴)، تمام یا بیشتر آیات جنبه تربیتی دارند، از این رو تمام تفاسیر به نوعی تربیتی قلمداد می‌شوند (ناطق، ۲۸). در این صورت می‌توان ادعا کرد که اطلاق این عنوان بر همه آنها صحیح است. ولی این ادعا تام نیست؛ زیرا یکی از جنبه‌ها یا کارکردهای گوناگون این کتاب، تربیت قرآنی است، از همین رو در منابع تفسیرپژوهی، تفاسیر به روش‌ها و در گرایش‌های متنوعی طبقه‌بندی و از همدیگر متمایز و تعاریف متفاوتی از آنها ارائه شده است؛ مانند فقهی، کلامی، روایی، عقلی، هدایتی - تربیتی و ...

از آنجا که نتیجه اختلاف بین تعاریف بیشتر در تشخیص خارجی مفاهیم ظاهر می‌شود (قراملکی، ۱۴۴) و به عبارتی منشأ اختلاف در تعیین مصادیق، تلقی‌های گوناگون

از موضوع و قلمروهایش و نبود اصول، قواعد و معیارهای دقیق برای ارزیابی و طبقه‌بندی تفاسیر است، در نتیجه شناخت مصادیق از این راه مشکل می‌شود (نفیسی، ۴۶). مثلاً دکتر مؤدب از تفسیرهای المنار، المراغی و فی ظلال القرآن که دیگران آنها را از جمله تفاسیر اجتماعی خوانده‌اند، با گرایش تربیتی یاد می‌کند. همچنین یازده تفسیر دیگر که از دید ایشان تربیتی‌اند، در بقیه منابع با رویکرد یا گرایش دیگری معرفی شده‌اند (نفیسی، ۴۶؛ مؤدب، ۲۷۲؛ معرفت، ۴۸۳ و ۵۰۴). یا برخی تفسیر نمونه را که سایرین تربیتی و یا اجتماعی می‌دانند، واعظانه شمرده‌اند (معموری، ۶/ذیل تفسیر واعظانه). از جمله تفاسیری که با این نام و عنوان به تفسیر تمام آیات پرداخته‌اند، این سه تفسیر می‌باشند:

یکم: «التفسیر التربوی للقرآن الکریم» از انور الباز که بیشتر به تفسیر هدایتی نزدیک است و مباحثش جنبه هدایتی و موعظه‌ای دارند و به گفته خود مفسر، منظورش از تربیت، همان هدایت و بندگی خداست (انور الباز، ۱/ب).

دوم: «تفسیر القرآن المرتب، منهج للسیر التربوی» از اسعد احمد علی که بر اساس ترتیب نزول آیه‌ها و سوره‌ها تنظیم و تدوین شده است.

سوم: «نخستین تفسیر تربیتی، اخلاقی، عرفانی، فقهی، فلسفی و... قرآن» به زبان فارسی از حسین میرزاخانی. این نیز همان گونه که از نامش پیداست، تحت عنوان نکات تربیتی، به بیان برداشت‌های تربیتی از قرآن در کنار سایر مطالب پرداخته است (ر.ک: ذبیح افشاگر، ۵۴؛ کاظمی، ۴۳).

از بین سایر تفاسیر، تفاسیر زیر دارای گرایش تربیتی یا با رویکرد تربیتی و یا دارای مباحث تربیتی (و هدایتی) با گرایش‌های دیگر معرفی شده‌اند:

پرتوی از قرآن، نور، نمونه، المیزان، روشن، من وحی القرآن، المنار، المراغی، الواضح، فی ظلال القرآن، مخزن العرفان، تقریب القرآن الی الاذهان، آسان، روان جاوید، احسن الحدیث، من هدی القرآن، التحریر و التنویر، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، الأساس فی التفسیر، تفسیر القرآن الکریم (تسخیری و نعمانی)، الغیب و الشهادت، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تفسیر مشکات، روح البیان، مناظر الانوار، خلاصة البیان فی تفسیر القرآن، مقتضیات الدرر، حجة التفاسیر، الکاشف (ر.ک: علوی مهر، آشنایی با...

۳۴۱؛ معرفت، ۴۹۹/۲؛ مؤدب، ۲۷۰؛ اسعدی، ۶؛ کاظمی، ۹). اما از بین بیش از صد تفسیر در دسترس، بین ده تا بیست اثر را می‌توان یافت که به‌طور برجسته و شاخص و در مقایسه با دیگر تفاسیر، دارای بحث‌های مستقل و گسترده تربیتی باشند. راه رفع اختلاف در تعاریف و تعیین مصادیق، بازتحلیل سه اشکال عمده تعاریف (نداشتن تعریف جامع، روش پژوهش و قلمرو یا فرآیند) می‌باشد.

تحلیل منطقی از چیستی تفسیر تربیتی

اولین گام در چیستی شناسی موضوع مورد بحث، شناخت حد و رسم و تحلیل منطقی عنوان می‌باشد؛ یعنی تعیین نوع ترکیب از جنبه منطقی و ادبی و اینکه این اصطلاح ناظر به عالم زبان و الفاظ است، یا به ذهن و مفاهیم، یا عالم خارج و مصادیق؟ همچنین از تصورات گرد آمده و یا محتوای گزاره‌های تصدیقی است؟ (باقری و خسروی، ۵۲). بنابراین ابتدا به تبیین منطقی مقام‌های اثبات، ثبوت، تصور و تصدیق در آن پرداخته می‌شود.

از آنجا که این دانش مانند سایر علوم دو ویژگی دارد، می‌توان آن را در میان دانش‌های بشری طرح و موضوع یک رشته علمی قرار داد و از پنج زمینه یا جایگاه و یا مقام مطالعه در آن (تعریف، تفسیر، توصیف، توجیه (اثبات و استدلال) و تبیین (تعلیل و چرایی)) (قراملکی، ۱۶) سخن گفت.

۱- از حیث مضمون قابل فهمیدن است؛ زیرا در قالب الفاظ قابل فهم برای بشر ارائه شده است (مقام تعریف و تفسیر).

۲- ادله آن قابل نقد می‌باشد، گزاره‌هایش از نظر منطقی قابلیت صدق و کذب دارند (مقام تصدیق) و درباره حقایقش می‌توان دلیل ارائه کرد (مقام اثبات و توجیه). در حقیقت این گرایش در صدد شناخت این است که وحی در مواجهه با مسائل حوزه تربیت چه می‌گوید (مقام توصیف) و چرا چنین می‌گوید؟ چگونه می‌توان بین نظریات وحی در این حوزه و نظریات سایر دانشمندان داوری و ملاک‌های درستی گزاره‌ها را شناسایی کرد؟ (مقام تبیین) (همان، ۵۹). و از آنجا که هم گزاره‌های خبری و هم گزاره‌های انشایی موضوع علوم تربیتی می‌باشند (باقری و خسروی، ۶۸)، پس موضوع

این گرایش هم می‌باشند و ارزش‌های اخلاقی و تربیتی در هر دو دانش، به‌صورت گزاره خبری و انشایی، یعنی در قالب بایدها و نبایدها ارائه می‌شوند.

تعریف مطلوب و جامع

تعریف مطلوب شامل حد و رسم حقیقی یا تام است، نه شرح اللفظ و حد و رسم اسمی و در پاسخ به چیستی (معنای لفظی، مفهوم و مصداق) یک شیء بیان می‌شود که عام‌ترین مفهوم تعریف است (قراملکی، ۵۹).

الف) معنای لفظی (meaning): واژه‌شناسی یا بیان تصور از لفظ و یا دلالت وضعی و گزارشی، مربوط به حوزه زبان و در صدد رفع ابهام از مفاد لفظ است (همان، ۱۵۲)، از این جهت لفظ تفسیر دچار ابهام در تعریف نیست. اما لفظ تربیت دچار پراکندگی و ابهام مفهومی و عدم تعیین مصداقی است (ر.ک: طالب‌زاده و دیگران، ۶۰؛ هرست، ۲۳ و ۵۰؛ حسنی، ۴۲). البته در اینجا الفاظ «تفسیر» و «تربیتی» در معنای گزارشی یا رایج به‌کار رفته؛ یعنی مراد وضع‌کننده و استعمال‌کننده، مدلول یا مدلول‌های رایج و مشهور آنها می‌باشد (ر.ک: اعرافی، فلسفه تعلیم و تربیت، ۳۳۳؛ وجدانی، ۱۲۰).

ب) شناخت حقیقت و چیستی مفهوم (definition): دومین مرحله، مفهوم‌شناسی یا تحلیل مفهومی است که همان تعریف منطقی به مفهوم خاص می‌باشد (قراملکی، ۱۴۶) و مربوط به حوزه ذهن و در صدد ارائه تصویر روشن از مفهوم و رفع ابهام و تردید از ذهن است. استفاده از این رویکرد، مهم‌ترین روش در شناخت هر دانش و راهبرد مورد اطمینان برای رسیدن به فهم معتبر، صریح، روشن، کلی و دقیق از معنای یک مفهوم یا مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط است. این روش شامل تحلیل مفهوم در زبان عادی، فنی، تخصصی و متون علمی و ادبی می‌شود و چگونگی کاربرد آن را در زبان نویسندگان و متخصصان تبیین می‌کند (قراملکی، ۱۴۶؛ حسنی، ۴۲). در این مرحله، چنانچه از چیستی معنای هر کدام از طرفین عنوان و یا از دامنه، قلمرو، چرایی، امکان و مقام ثبوت آنها سؤال شود، مربوط به مقام تصور می‌شود. ابهام در اینها ممکن است با شرح اللفظ و تعریف معجمی برطرف شود، اما شناخت نوع دانش، نوع ترکیب در عنوان، هویت و جایگاه آن در بین سایرین و نیز چگونگی (روش) آن مربوط به مقام تصدیق است (ر.ک: قراملکی، ۱۳۹).

در این مقام برای شناخت نوع اصطلاح یا ترکیب مورد بحث، بررسی رابطه و نسبت بین دو واژه، فرآیند شکل‌گیری‌شان و کارآمدی تعریف، باید عناصر دخیل در تعریف مشخص شوند؛ موضوعی که تاکنون منابع تفسیرپژوهی کمتر به آن پرداخته و در هنگام معرفی این گرایش، سخنی از تمایز منطقی بین تربیت و عناصرش با مثلاً مفاهیم هدایت، موعظه، ارشاد، اخلاق و... به میان نیاورده‌اند (فقط اعرافی در فقه التریبه، ۲۳۳/۱، ۲۳۹، ۲۴۹ و اسعدی، ۲۱، نسبت بین برخی از اینها با تربیت را توضیح داده‌اند).

مهم‌ترین عناصر تعریف عبارت‌اند از موضوع و محمول، جنس و فصل، لوازم و دلالت‌های التزامی، مطابقی و تضمینی، ویژگی‌های رویکرد و هدف از آن (همان، ۲۱۶). چنانچه تعریف تنوع‌پذیر و تابع متغیرها باشد، او و عناصرش قلمرو حداکثری و حداقلی و صورت‌های مختلفی خواهند داشت. با این وجود فقط برخی از تعاریف یادشده به بحث محتوا، چگونگی و عناصر این گرایش پرداخته‌اند (اعرافی، اقتراح، ۱۴؛ رضایی اصفهانی، تفسیر سوره حمد، ۷۹؛ هاشمی، ۲).

برخی موضوع این گرایش را سخن مفسران در تربیت انسان و رفتارهای تربیتی و محمول آن را آیات قرآن، تفاسیر و تمامی مسائل، فلسفه و کلیات تربیت ذکر کرده و نسبت بین این دو را عموم و خصوص من وجه بیان کرده‌اند (ر.ک: اعرافی، فقه التریبه، ۱۱؛ همو، اقتراح، ۱۵). مقصود از آیات قرآن و فهم آن مشخص است و مقصود از تربیت، می‌تواند تربیت به مثابه واقعیت (همو، فقه التریبه، ۱۱)، معنای رسمی (خاص) و عام آن (تعلیم و تربیت) (حسنی، ۵۳)، و دانش و علوم تربیتی و فرآیند تربیت (اعرافی، اقتراح، ۱۹) باشد که شامل بخش‌های رفتارهای اختیاری و بخش‌های نظری یا بنیادی می‌شود.

نوع یا جنس ترکیب در عنوان تفسیر تربیتی

نوع یا جنس ترکیب این دو واژه، تعیین‌کننده معنا و پاسخ به سؤال از چیستی آن می‌باشد. با تأمل در ترکیب «تفسیر تربیتی» یا «التفسیر التربوی»، مشخص می‌شود که واژه «تربیتی» صفت برای تفسیر است و نقش تبیینی یا توضیحی - تشریحی و یا

تخصیصی برای موصوف دارد^۱ و معانی و احتمالات مختلفی به شرح زیر از آن به دست می‌آید:

(الف) مفهوم این صفت و موصوف (هاشمی، ۲) تفسیری می‌باشد که تربیتی است؛ مراد از تربیت، معنای خاصش است.

(ب) به معنای تربیت بر اساس تفسیر قرآن است؛ یعنی همان تربیت قرآنی یا اسلامی. اما این معنا خلاف ظاهر و مراد از این ترکیب است و در نهایت اگر پذیرفته شود، تعریف به جزء است.

(ج) به معنای تفسیری که به روش تربیتی، به معنای خاص یا عامش انجام می‌شود. بنا بر این معنا، وصف تربیتی اشاره به چگونگی و روش تفسیر داشته؛ یعنی توصیف روش است و برای فهم سخن خداوند در موضوعات تربیتی و رسیدن به تفسیری جدید از روش‌های تربیتی از قبیل روش موعظه، بیان داستان یا تنبیه و... استفاده می‌شود؛ اگرچه فعل و هدف همان تفسیر و متعلق شناخت نیز سخن خداوند است، اما فرآیند عملیاتی آن روش‌های رایج در دانش تربیت می‌باشد. لزوماً این روش‌ها ساختار و کارکردی جداگانه پیدا کرده و جزئی از روش‌های تفسیری می‌شوند.

(د) چنانچه به عکس معنای قبلی، برای رسیدن به مباحث تربیتی از روش‌های تفسیر استفاده شود، روش، وصف برای تفسیر می‌شود.

(هـ) معنای محتمل دیگر این است که مفهوم روش (چگونگی رسیدن به دانش) در هر دو واژه لحاظ شده باشد؛ یعنی تفسیر «روش فهم کلام وحی»، و تربیت «روش دستیابی به کمالات انسانی یا هر مطلوبی باشد که مربیان یا دانشمندان به دنبال رسیدن به آن می‌باشند». در نتیجه تفسیر تربیتی، روش تفسیری می‌شود که به روش تربیتی انجام گیرد و تربیت یا روش آن، معنا یا قید و یا شرط برای روش تفسیر می‌شود. اما چون چنین شرط و قیدی در هیچ کدام از تعاریف نیامده و کسی قائل به وجود معنای روش در این ترکیب یا اصطلاح نیست، تمامی این احتمالات نادرست می‌باشند. به علاوه از آنجا که واژه روش مشترک است (ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۲۳۳/۳؛ باقری، ۸۸) و شامل روش پژوهش تربیتی و روش‌های تربیت و... می‌شود، نیاز است مراد مفهومی و مصداقی آن مشخص و از آن رفع ابهام شود و چون روش‌ها (به معنای عام) جزئی از مسائل هر علمی

می‌باشند، یا روش‌ها راه‌های اجرای اصول تربیت‌اند (جمعی از نویسندگان، ۲۸۳/۱)، تعریف تضمینی و به جزء یک دانش ارائه شده و مشتمل بر حد تام نیست. همچنین به دلیل اینکه به موازات پیشرفت علم، روش‌های پژوهش در این دو در حال گسترش می‌باشند، دایره تعریف گسترده و مبهم خواهد شد. ولی لحاظ روش به عنوان جزء یا قید در تعریف، بعد از تبیین مراد از آن ممکن است.

(و در معنای «تفسیر مسائل تربیتی قرآن»، کلمه «مسائل» در تقدیر و موضوع، «مسائل تربیتی» است و این گرایش «توصیف» شده است (ر.ک: قراملکی، ۱۵۸). در این معنا، شناخت محدود به مسائل شده و از سایر عناصر مثل مبانی و روش‌ها و... نشانی ندارد.

(ز) برخی آن را گرایش علمی دانسته‌اند؛ یعنی این عنوان اشاره به گرایشی از نوع تخصصی دارد و جزئی از تفاسیر علمی به شمار می‌آید (اعرافی، اقتراح، ۱۱؛ مؤدب و ابوخمسین، ۱۰۷). بنابراین مراد تفسیر از نوع تربیتی در میان تفاسیر تخصصی و موضوعی یا جزئی از رویکردهای علمی در تفسیر است و صفت نوع، دانشی را که به آن متعلق است، بیان می‌کند و مباحث تخصصی آن از بیرون بر قرآن عرضه می‌شود.

(ح) در معنای «تفسیر با کارکرد تربیتی یا تربیت‌ساز یا تربیت‌کننده»، برای موصوف نقش فاعلی فرض شده است. در این صورت مفسر، قرآن را دارای فرآیند تربیتی، قدرت تأثیر و تغییرآفرینی در مخاطبانش می‌داند و چنینش الفاظ، کلمات و ترکیب آنها را معجزه‌گر و دارای ظرفیت ایجاد نگرش و تغییر در مخاطب! (اعرافی، اقتراح، ۱۲). از این رو برخی از تعامل بین مربی (قرآن) و متربی (مخاطبان) و یا معلم و متعلم و فرآیند آن و نیز از سازوکار تأثیرش، چگونگی، مبانی، اصول نظری و عملی آن که موضوع علم اخلاق می‌باشد، سخن می‌گویند. برخی آثار تفسیری هم در این راستا (مطالعه تربیت در قرآن و کارکرد تربیتی آن) تدوین شده‌اند (همان، ۱۰)، اما این دو تعریف هم غیرشفاف، جزئی و رسم ناقص‌اند.

نتیجه اینکه بر اساس تحلیل مفهومی، اطلاق این عنوان بر تفاسیر رایج به تمام این معانی، نوعی تسامح و مجاز است و تنها یک معنا برای ترکیب فوق صحیح است. همانند هر دانش بین‌رشته‌ای، انتساب تفسیر به دانش تربیت نشانگر این است که تربیت رشته‌ای خاص است؛ زیرا در این ترکیب، تربیت به صورت مطلق به کار نرفته، بلکه

کارکردش به عنوان یکی از دانش‌های بشری مورد نظر است و تفسیر مختص یا متعلق به آن می‌باشد؛ یعنی «تربیت که با تفسیر قرآن به دست آمده یا محصول آن است». این معنای عام شامل هر مطلبی می‌شود که در این حوزه باشد و می‌توان با اجتهاد یا سایر روش‌های مورد استفاده در تفسیر، درباره‌اش کسب دانش و تحصیل معرفت کرد. پس مراد از این تفسیر، تنها پرداختن به مسائل تربیت و حل آنها با بهره‌گیری از روش‌های تفسیری نمی‌باشد، بلکه مسائل این گرایش به حوزه معرفتی تربیت برمی‌گردند و مندرج در یکی از زیرمجموعه‌های علوم تربیتی می‌باشند، نه علم دیگری مثل فقه و کلام. این همان بررسی مقایسه‌ای - تطبیقی دو دانش تفسیر و تربیت به منزله یک رویکرد و ابزار می‌باشد که با هدف شناخت، فهم و مطالعه بین‌رشته‌ای و چندوجهی آن صورت می‌پذیرد. با این توضیح اگر تربیت، صفت مبین روش یا دربردارنده معنای شرط برای تفسیر محسوب شود، ممکن و صحیح است (ر.ک: قراملکی، ۲۵۴ و ۲۱۷).

ط) آخرین مرحله مصداق‌شناسی (criteria) یا تعریف مصداقی و کاربردی است. در پژوهش مصداقی بررسی می‌شود که آیا تفسیر تربیتی تاکنون واقع شده و به عینیت پیوسته است؟ برخی از امکان آن سخن گفته‌اند (کاظمی، ۷) و یا اینکه این نوع تفسیر در ابتدای کار خود می‌باشد (اعرافی، اقتراح، ۱۰). با این سخنان، رسیدن به تعریف مصداقی مشکل می‌شود، مگر به اعتبار اینکه تفاسیر مشهور به داشتن این گرایش را دربردارنده اندکی یا قسمتی از مباحث تربیتی یا شبیه آن بدانیم.

اما به دلایل زیر، ملاک تشخیص موارد با تعریف لفظی و مفهومی به دست نمی‌آید:

۱- الفاظ به خاطر ارتباط مفهومی که با مصداق خارجی، یعنی تفاسیر محتوی مباحث تربیتی داشته‌اند، مناسب با آنها وضع شده و نامگذاری آنها نیز نشانگر وجه تسمیه‌شان و مفهومی است که در ذهن و تصور واضع الفاظ بوده که از طرفی با ریشه لغوی و از طرفی با تصورات ذهنی مرتبط است.

۲- اگر مفاهیم، ترکیبی یا انتزاعی از دو واژه باشند، اعتباری و بدون وجود خارجی‌اند که اساساً تحلیل ماهوی در آنها راه ندارد. و اگر هم دارای ماهیت باشند، علم به وجود خارجی در آنها لحاظ نشده است. در این حال تعریف در قالب تحلیل

مفهومی صرف، بدون کاربرد عملی، ارائه و مفهوم آنها جدای از وجود حقیقی‌شان و فقط در ذهن و زبان دیده می‌شود (قراملکی، ۱۴۹ و ۱۵۳).

۳- اگر در مورد تفسیر قائل به وحدت معنا و عینیت باشیم، در مورد واژه تربیت، با کثرت معانی و مصادیق مواجهیم که می‌توان آنها را تلقی‌های مختلف از امر واحد دانست که همگی به نوعی به یک موضوع (تربیت به‌مثابه واقعیت خارجی آن) اشاره دارند که در ذهن واضعین کلمه بوده و در این واژه منعکس شده است (قراملکی، ۱۴۵؛ حسنی، ۵۳؛ اعرافی، فقه التریبه، ۱۱).

پس در نتیجه تعریف کاربردی، به شناخت نمونه‌های واقعی منتج نمی‌شود. در این حال راه تشخیص مصداق‌ها، استفاده از رویکرد یا روش تقسیم و تمایز امور مشتبه و متشابه می‌باشد (قراملکی، ۲۱۶). مثلاً تفاسیر را به هدایتی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی تقسیم و محدود کرده، آن‌گاه هر کدام را از دیگری متمایز کنیم.

روش‌شناسی در تفسیر تربیتی

در عموم تعاریف نقل شده، بحث از روش‌شناسی این گرایش مغفول مانده یا به شکل ناقص طرح شده است؛ یعنی بیشتر آن را به همان روش‌های تفسیری و تربیتی یا پژوهش و اجتهاد در قرآن منحصر کرده‌اند. در حالی که مقصود از روش‌شناسی غیر از روش می‌باشد. روش‌شناسی تعیین ملاک‌هایی است که فرد محقق مطابق آنها به انتخاب و تعریف مسائل تحقیق خود و نیز چگونگی مواجهه با آنها به لحاظ نظری و روش‌شناختی می‌پردازد. به عبارتی دیگر، روش‌شناسی روشنگر این است که یک نظریه یا تبیین درباره یک مسأله مشتمل بر چه اموری است؟ شواهد درست یا اطلاعات واقعی کدام‌اند؟ تفاوت آنها با ارزش‌ها در چیست؟ ریشه‌ها، مفاهیم و مفروضات یک دانش چیست‌اند؟ (ر.ک: صادق‌زاده، ۱۴۳). روش‌شناختی یا روش‌شناسی پژوهش در تفسیر تربیتی و علوم وابسته، مانند هر علمی، به‌نوعی فراتر از مباحث و فرافلسفه آن است و در تعریف، چگونگی و تمامی پژوهش‌های مربوط به آن مطرح می‌شود (بلندهمتیان، ۹).

چیستی این روش‌شناسی خارج از مسائل آن (مانند مبانی، اصول، روش‌ها، هدف‌ها و...) و جدا از روش تحقیق در آنها و در این بحث شامل این مسائل است: روش پژوهش، تحلیل و سنجش اطلاعات، ارزیابی تمام داده‌ها و فرآورده‌های تفسیر و

پژوهش‌های تربیتی، اصول، مبانی، معیارها و قواعد پژوهش، مسائل فرارو، امکان بهره‌گیری از روش‌های برون‌رشته‌ای، آسیب‌شناسی، فرضیه‌های تربیتی و تفسیر به‌رأی در این گرایش. از نگاهی فراتر می‌توان آن را حاصل پژوهش‌هایی قلمداد کرد که ناظر به موارد زیر باشد:

الف) بررسی عقلانی و منطقی داده‌های علمی و نظری علوم تربیتی برای تطبیق با داده‌های قرآنی؛

ب) بررسی اعمال تربیتی و یا عمل‌پژوهی که در نتیجه آن، حدود رفتار افراد از جنبه تربیت قرآنی مشخص شود.

روش‌ها نیز رویکردها و رویه‌های علمی معین هستند که به‌عنوان نمونه یا الگو، به دانش‌پژوهان دیگر عرضه می‌شوند (صادق‌زاده، ۱۴۹). روش در موضوع مورد بحث حداقل سه معنا دارد:

الف) روش تفسیر به‌معنای عام آن که مفسر بر اساس مبانی خاصش انتخاب می‌کند و در بین قرآن‌پژوهان، از آن به روش تفسیری تعبیر می‌شود. در منابع تفسیری از آن به شیوه، منهج، لون و... نیز نام می‌برند (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۲/روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ همو، تفسیر سوره حمد، ۸۱).

ب) روش‌های تفسیر تربیتی مانند روش تفسیر تربیتی ترتیبی یا موضوعی، روش تربیتی روایی، عقلی و... (احسانی، ۳۷؛ اعرافی، اقتراح، ۱۲).

ج) روش‌های تربیت که همان روش‌های قرآنی تربیت یا روش تربیت در قرآن می‌باشند و به‌عنوان یکی از مسائل این علم و از زیرمجموعه‌های هر نظام تربیتی است و معمولاً بعد از معرفی کلیات هر مکتب ارائه می‌شود. مثلاً پس از آشنایی با کلیات و فلسفه نظام تربیتی اسلام، روش‌های تربیت در اسلام یا قرآن و روایات بیان می‌شوند؛ مانند روش تشویق و تنبیه (رک: احمدی، ۷۰). این سه معنا اگرچه مقدمه و جزئی از روش‌های پژوهشی‌اند، اما موضوع بحث روش‌شناختی نیستند.

قلمرو و فرآیند

روش‌شناسی یک دانش ترسیم‌کننده فرآیند آن علم می‌باشد. بهترین روش‌شناسی هر دانش آن است که از تعریف و ماهیت آن به‌دست بیاید (باقری، ۵۰). از تحلیل

چیستی عنوان این دانش مشخص شد که واژه تفسیر در این ترکیب به طور مطلق به کار نرفته است، هر نوع تفسیری را شامل نمی‌شود و متعلق آن هم یک دانش بشری است که موضوع بحث و کاوش دیرینه بشر بوده و هست. در نتیجه تربیت و روشش در این ترکیب - به معنای تمام کاوش‌های قدیم و جدید بشر با این عنوان و موضوع - گستره یا قلمرو تفسیر را نشان می‌دهد (قراملکی، ۴۲). همچنین قلمداد شدنش در بین تفاسیر علمی و اخذ روی آورد مطالعات میان‌رشته‌ای در آن، مستلزم توسل جستن به روش‌های ترکیبی و ویژه برای حل کردن مسائل مرتبط به هر دو علم می‌باشد؛ زیرا این گرایش هم عضوی از هویت جمعی علم تفسیر است، و هم می‌تواند جایگاهی در هویت جمعی علم تربیت پیدا کند و چون مسائل هر دو دانش چندتباری و پیچیده هستند (همان، ۳۳۶)، از این رو روش‌شناسی آن هم متن‌محور است (از قرآن و سنت گرفته شده)، و هم مانند علوم تربیتی، فلسفی و تجربی، به روش ترکیبی است؛ یعنی به تناسب موضوعات، می‌توان برای تدوین مسائل، مبانی فلسفی و تدوین فرآیند عملیاتی مطالعات آن، از چند روش استفاده کرد و پژوهشی مبتنی بر کثرت‌گرایی روش‌شناختی ارائه کرد که به تولید یافته‌های علمی جدید، رهیافت‌های نوین، ارائه مفاهیم تازه و یا بازسازی مفاهیم پیشین در تفاسیر و علوم تربیتی منتج شود. بنابراین فرآیند آن می‌تواند نظریه‌پردازی و پژوهش کاربردی در حوزه‌های زیر باشد که معرف چیستی، روش‌های متنوع و چشم‌انداز گسترده تفسیر تربیتی هم هستند:

الف) نظریه قرآنی تربیت: معنای گسترده و عام تربیت قرآنی که بر مبنای تخصص و روش تفسیری مفسر و یا تفسیرپذیری قرآن در شرایط متفاوت مکانی و زمانی به دست می‌آید.

ب) نظریه تربیت قرآنی: جنبه‌های کاربردی و عملی تربیت قرآنی، طرح‌های قرآنی تربیت برای فرد و جامعه.

ج) فلسفه و فرافلسفه تربیت قرآنی: نگرش عقلانی به تربیت قرآنی، ضرورت، امکان، چشم‌انداز و روش‌شناسی پژوهشی آن.

نتیجه گیری

- ۱- در دو سده اخیر، ترکیب و تلفیق دو دانش تفسیر و تربیت و تعاملشان با یکدیگر، زمینه پیدایش رویکرد علمی و بین‌رشته‌ای جدید و متمایزی با نام تفسیر تربیتی را فراهم کرده است.
- ۲- تربیت به‌عنوان فرآیند انسانی با پیشینه‌ای بس دراز و علوم تربیتی جدید، موضوع تفسیر با گرایش تربیتی می‌باشد.
- ۳- هدف مشترک تفسیر و علوم تربیتی، شناخت این فرآیند و قوانین حاکم بر آن است و تفسیر تربیتی فهم آن را با اجتهاد در منابع مرتبط می‌جوید.
- ۴- در برخی منابع سنتی، از این گرایش با عناوین هدایتی، اخلاقی و اجتماعی نام برده و آنها را یکی دانسته‌اند.
- ۵- در تعاریف موجود از آن، قلمرو، مسائل، نوع گزاره‌ها و روش‌شناسی پژوهشی آن نامشخص و مبهم است.
- ۶- روش شناخت منطقی این ترکیب و رفع ابهامات، تحلیل مفهوم تربیت و تفسیر، تبیین نسبت بین آنها و تعیین نوع گزاره‌ها و قلمرو آن می‌باشد. اما تعریف کاربردی و مصداقی از این گرایش، به شناخت نمونه‌های واقعی منتج نمی‌شود.
- ۷- از آنجا که تربیت در این ترکیب به‌طور مطلق به‌کار رفته، قلمرواش همه حوزه پژوهش‌های گذشته و جدید، نظریه‌پردازی و پژوهش کاربردی در حوزه‌های زیر را شامل می‌شود:
- الف) نظریه قرآنی تربیت یا معنای گسترده و عام تربیت قرآنی. ب) نظریه تربیت قرآنی و جنبه‌های کاربردی تربیت. ج) فلسفه و فرافلسفه تربیت قرآنی و نگرش عقلانی و فلسفی به تربیت قرآنی.
- ۸- روش‌شناسی پژوهشی این گرایش باید هم ناظر به بررسی منطقی و علمی گزاره‌ها، یعنی در حیطه دانش فلسفه و فرافلسفه تفسیر تربیتی باشد، و هم ناظر به جنبه عمل و رفتار متریبان.



پی نوشت

۱- صفت تشریحی، توضیحی و تبیینی برای موصوف معرفه و صفت تخصیصی برای موصوف نکره به کار می رود (عبدالغنی دقر، ۱۹۱).

منابع و مآخذ

۱. ابوخمین، هاشم؛ التفسیر التروی للقرآن الکریم، المبانی و الاتجاهات، قم، مرکز المصطفی العالمیه، ۱۳۹۰ ش.
۲. احسانی، محمد؛ همت بناری، علی؛ «روش شناسی تفسیر تربیتی قرآن»، قرآن و علم، شماره ۳، ۱۳۸۷، ص ۵۰-۳۵.
۳. احمدی، سید احمد؛ اصول و روش های تربیت در اسلام، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۰ ش.
۴. اسعدی، علی؛ مدل تفسیر تربیتی، پایان نامه مقطع دکتری، قم، دانشگاه قم، ۱۳۹۳ ش.
۵. اعرافی، علی رضا؛ درآمدی بر تفسیر تربیتی، قم، مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان، ۱۳۹۱ ش.
۶. _____؛ «فقه التریبه نظریه ای نو در علوم تربیتی اسلامی»، معرفت، شماره ۱۰۴، ۱۳۸۵، ص ۱۷-۱۱.
۷. اعرافی، علی رضا؛ بناری، علی؛ رضایی اصفهانی؛ محمدعلی؛ «اقتراح، مفهوم شناسی و روش شناسی تفسیر تربیتی قرآن» (میزگرد)، قرآن و علم، شماره ۳، ۱۳۸۷، ص ۲۲-۹.
۸. اعرافی، علی رضا و همکاران؛ درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، سمت و پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲ ش.
۹. انور، باز؛ التفسیر التروی للقرآن الکریم، قاهره، دار النشر للجامعات، ۲۰۰۷ م.
۱۰. ایازی، محمدعلی؛ المفسرون منهجهم و حیاتهم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۱۱. _____؛ تفسیر قرآن؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، به همت بهاء الدین خرمشاهی، تهران، دوستان، ۱۳۷۷ ش.

۱۲. باقری، خسرو؛ خسروی، زهره؛ «پژوهش تربیتی، چیستی و روش‌شناسی»، نوآوری‌های آموزشی، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳۸۶، ص ۷۶-۴۹.
۱۳. باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، بی‌جا، مدرسه، ۱۳۸۷ش.
۱۴. بلندهمتیان، کیوان؛ نقیب‌زاده، میرعبدالحسین؛ «فرا فلسفه تربیت دینی»، تربیت اسلامی، شماره ۶، ۱۳۸۷، ص ۲۶-۹.
۱۵. بهجت‌پور، عبدالکریم؛ «نقش ترتیب نزول در تفسیر تربیتی قرآن کریم»، قرآن و علم، شماره ۳، ۱۳۸۷، ص ۷۶-۶۷.
۱۶. توسلی، طیبیه؛ «تربیت دینی، تربیت زمینه‌ساز، تربیت سکولار»، مشرق موعود، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۳۹۲، ص ۱۶۳-۱۴۳.
۱۷. جمعی از نویسندگان؛ آرای دانشمندان مسلمان در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، سمت، ۱۳۷۷ش.
۱۸. حسنی، محمد؛ نوید ادهم، مهدی؛ «تربیت یا تعلیم و تربیت، کدام یک؟»، پژوهش نامه تعلیم و تربیت، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۹۱، ص ۵۶-۳۹.
۱۹. دقر، عبدالغنی؛ معجم النحو، فرهنگ الفبایی عربی-فارسی، ترجمه فاطمه مدرسی، تهران، چاپار، ۱۳۸۹ش.
۲۰. ذبیح افشاگر، احمد؛ «آسیب‌شناسی تفسیر و تفاسیر تربیتی»، قرآن و علم، شماره ۳، ۱۳۸۷، ص ۶۶-۵۱.
۲۱. ذهبی، محمدحسین؛ التفسیر و المفسرون، بیروت، دار الأرقم، بی‌تا.
۲۲. رشیدرضا، محمد؛ تفسیر المنار، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
۲۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ «تفسیر سوره حمد، نمونه‌ای از تفسیر تربیتی قرآن»، قرآن و علم، ش ۳، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲-۷۷.
۲۴. _____؛ منطق تفسیر قرآن، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۵ش.
۲۵. سلحشوری، احمد؛ «حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی»، رهیافت نو در مدیریت آموزشی، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۹۰، ص ۵۶-۴۱.

۲۶. شاکر، محمدکاظم؛ مبانی و روش‌های تفسیری، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۲۷. شریف، محمدابراهیم؛ اتجاهات التجديد في تفسير القرآن الكريم في مصر، قاهره، دارالتراث، ۱۴۰۲ق.
۲۸. صادق‌زاده قمصری، علی‌رضا؛ «رویکرد اسلامی به روش‌شناسی پژوهشی تربیتی، تبیین امکان و ضرورت»، نوآوری‌های آموزشی، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳۸۶، ص ۱۷۲-۱۴۱.
۲۹. طالب‌زاده نوبریان، محسن؛ میرلو، محمدمهدی؛ موسوی، سید حسین؛ «تأملی بر آراء و اندیشه‌های تربیتی برتراندر راسل»، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۰، ص ۸۲-۵۹.
۳۰. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم؛ طبقات مفسران شیعه، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۷ش.
۳۱. علوی‌مهر، حسین؛ آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم، جامعه المصطفی‌العالمیه، ۱۳۸۸ش.
۳۲. _____؛ روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم، اسوه، ۱۳۸۱ش.
۳۳. عمیدزنجانی، عباس‌علی؛ مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۳۴. فرامرز قراملکی، احد؛ روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵ش.
۳۵. قربان‌زاده، محمد؛ رستمی، محمدحسن؛ «گستره گرایش‌های تفسیری»، آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۵، ۱۳۹۱، ص ۱۷۲-۱۵۵.
۳۶. کاظمی، ابوالفضل؛ جریان‌شناسی تفسیر تربیتی، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه قم، ۱۳۹۳ش.
۳۷. مؤدب، رضا؛ روش‌های تفسیر قرآن، قم، دانشگاه قم، ۱۳۸۰ش.
۳۸. مؤدب، رضا؛ ابوخمسین، هاشم؛ «تمهید لمبانی التفسیر التربوی»، قرآن و علم، شماره ۳، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲-۱۰۴.

۳۹. معرفت، محمدهادی؛ التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۰ش.

۴۰. معموری، علی؛ دایرة المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.

۴۱. ناطقی، غلامحسین؛ «قلمرو تفسیر تربیتی»، قرآن و علم، شماره ۳، ۱۳۸۷، ص ۲۳-۳۴.

۴۲. نجارزادگان، فتح‌الله؛ رهیافتی به مکاتب تفسیری، (نقل‌گرایی، عقل‌گرایی و باطن‌گرایی)، قم، دانشکده اصول دین، ۱۳۸۷ش.

۴۳. نفیسی، شادی؛ «تفسیر اجتماعی قرآن؛ چالش تعریف و ویژگی‌ها»، تفسیر و زبان قرآن، شماره ۴، ۱۳۹۳، ص ۴۴-۶۴.

۴۴. نقیب‌زاده، عبدالحسین؛ نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، طهوری، تهران، ۱۳۷۵ش.

۴۵. وجدانی، فاطمه؛ «جایگاه و حدود تعاریف تحلیلی و هنجاری و تأملی در برخی از تعاریف موجود»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۲۲، ۱۳۹۳، ص ۱۱۵-۱۴۴.

۴۶. هاشمی علی‌آبادی، سید احمد؛ «روش‌شناسی تفسیر تربیتی»، معرفت، شماره ۱۰۰، ۱۳۹۲، ص ۲-۵.

۴۷. هرست، پل؛ پیترز، ریچارد؛ منطق تربیت، ترجمه فرهاد کریمی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹ش.